

پاتوق

فکر و عمل



محمد رضا ارشیدی
دبیر بخش فکر و عمل



زهره نساج
منوره زیدآبادی
اله ندری
سیده میترا امیری

شاید شما هم بارها و بارها از خودتان پرسیده باشید: ویکتورهوگو چگونه کتاب «بینوایان» را نوشت؟ یا الکساندر گراهام بل چگونه تلفن را اختراع کرد، یا مثلاً طهرانی مقدم چگونه بساط ساخت و ساز اولین موشک‌های ایرانی را فراهم آورد؟! چه اتفاقی آن‌ها را به این تغییر بزرگ واداشت؟ چه اتفاقی افتاد که چنین شگفتی‌ای آفریدند؟!

من امروز می‌خواهم از راز موفقیت همه این‌ها و افرادی شبیه به این‌ها پرده بردارم! چیزی که بی‌برو برگشت به صورت مشترک علت موفقیت همه آن‌ها بوده است!

راستش را بخواهید، همه آن‌ها «اراده» محکمی داشته‌اند.

بگذارید بهتر برایتان بگویم. البته قبل از اینکه توضیح بدهم، باید در پرتز بگویم که من فراموش نکردم موضوع بحث ما راه‌اندازی نشریه است و شما هم این موضوع را فراموش نکنید.

داشتم می‌گفتم. وجه مشترک تمام افرادی که نام بردم چیست؟ به نظر من وجه مشترک همه این افراد «خلق کردن» است! خلق کردن یعنی به وجود آوردن؛ یعنی چیزی را از عرصه نیستی به هستی آوردن. خلق کردن یعنی جای خالی را با یک خلق شده پرکردن!

و خب این خلق کردن اصلاً کار راحتی نیست، چون قرار است از یک عالمه هیچ، چیزی بسازی!

بدون هیچ تصور و موجودیت قبلی و این تازه اول ماجراست. قرار است یک ایده مبهم ذهنی را به یک حقیقت عینی و ملموس تبدیل کنی تا خلاها پر شوند!

در اصطلاح به آدم‌هایی که چیزهای بسیاری را خلق می‌کنند و با ایده‌های جذابشان خلاها را پر می‌کنند، «خلق» می‌گویند. یعنی آن‌ها بارها و بارها توانسته‌اند به کمک

ذهنشان نیستی را شکست دهند و هست را به جای آن بنشانند! اگر دقت کنید می‌بینید که همه این افرادی که برایتان نام بردم، خلاق بوده‌اند. ویکتورهوگو بینوایانی که وجود نداشته را آفریده، گراهام بل ایده‌اش را عملی کرده و طهرانی مقدم یک خلا را پر کرده است.

اما همان‌طور که گفتم، خلق کردن و خلاق بودن اصلاً کار راحتی نیست. خلق کردن پیش‌نیازی دارد؛ پیش‌نیازی که مانند یک عصای جادویی، نیست را به هست تبدیل می‌کند. پیش‌نیازی که به خلق‌کننده قدرت و توان آفریدن می‌دهد.

و این پیش‌نیاز چیزی نیست جز اراده. اراده کردن رکن مهم خلق کردن است. یعنی تا اراده‌ای صورت نگیرد، خلقی اتفاق نمی‌افتد. فرد باید تصمیم بگیرد و بخواهد که خلق‌کننده باشد. باید تصمیم بگیرد اثر و نشانی از ایده‌های خود برای همه بیافریند.

ویکتورهوگو اراده کرد بینوایان را بنویسد. گراهام بل هم همین‌طور. طهرانی مقدم هم اراده کرد تا شد پدر موشکی ایران!

حتی بزرگ‌ترین و حقیقی‌ترین خالق جهان، یعنی خدای بزرگ هم برای خلق تمامی چیزها اراده کرده است؛

همان‌طور که در مصحف کریم می‌خوانیم: «فاذا اراد الله شیئاً ان یقول له کن فیکون.» حتی خدای کن فیکون‌کننده هم اراده می‌کند تا کن، فیکون شود!

اما اراده خودش خلق نمی‌کند، بلکه پای چیزی به نام «شجاعت» را به قضیه باز می‌کند. کسی که اراده می‌کند، شجاعت «دل‌به‌دربازدن» را به دست می‌آورد. پس یعنی اراده شجاعت‌آفرین است و در واقع این شجاعت است که مقدمات آفرینش را رقم می‌زند! وقتی شجاعت لازم پیدا شد، با کمی چاشنی دیگر می‌توان به یک فرد خلاق تبدیل شد!

و حالا شما اگر می‌خواهید نشریه‌ای خلق کنید، تنها لازم است اراده کنید؛ اراده‌ای پولادین. یعنی تصمیم بگیرید و بخواهید نشریه‌ای دست و پا کنید و همین اول با خودتان اتمام حجت کنید که پای همه چیزش هستید؛ چون می‌خواهید خلق کنید و می‌دانید کار راحتی نیست. آن وقت شجاعتی را زیر زبانتان می‌چسبید که شاید کمتر تجربه‌اش کرده‌اید.

اکنون که از شما فردی با اراده و شجاعت در آمده، وقت خلق کردن است. البته اراده و شجاعت شرط لازم است، اما کافی نیست. با برنامه و منظم بودن اراده خود را تقویت کردن، واقع‌گرایانه‌تر به مسئله نگاه کردن، و فهمیدن این موضوع که از خودتان و آنچه که می‌آفرینید، چه می‌خواهید هم از ارکان اصلی آفرینش است. در ضمن فراموش نکنید کار شما کاری تیمی و گروهی است و شما باید با همدلی، درک متقابل و وظیفه‌شناسی کار را پیش ببرید.

پس حالا کمر همت ببندید و نشریه خودتان را خلق کنید. فکر و ذهن و حواستان را برای ساختن آماده کنید. شما راه جذاب و پر پیچ و خمی برای عملی کردن ایده‌های موجود در ذهنتان دارید!

تولد اراده‌ها

پژوهش‌سرا

هوا فضا

منوره زید آبادی

در قرن بیستم با پیشرفت علوم و فناوری، دانشمندان به اهمیت مطالعه و استفاده از توانمندی‌های حوزه هوافضا و دریایی بردند. این حوزه‌ها پایه‌های اصلی پیشرفت علمی و فناورانه هستند که می‌توانند در توسعه فناوری‌های نوین و اقتدار سیاسی و اقتصادی کشورها نقش بسیار مهمی ایفا کنند. به همین دلیل استقلال در زمینه‌های هوافضا و علوم دریایی به یکی از اولویت‌های مهم کشورها تبدیل شده است.

حوزه‌های هوافضا و دریا از اساسی‌ترین ارکان توسعه علمی، صنعتی و راهبردی هر کشور به شمار می‌روند. تسلط بر فناوری‌های مربوط به فضا، پرواز، ماهواره، و همچنین بهره‌برداری علمی از دریاها، نه تنها قدرت ملی را در عرصه‌های دفاعی و ارتباطی افزایش می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز نوآوری، اشتغال‌زایی، و دستیابی به منابع جدید طبیعی و انرژی نیز می‌شود. سرمایه‌گذاری در این علوم، به‌ویژه در میان نسل نوجوان و دانش‌آموزان، تضمین‌کننده آینده‌ای مقتدر و مبتنی بر دانش بومی برای کشور است.

امروزه با برگزاری مسابقات علمی-پژوهشی حوزه هوافضا، پس از گذشت اجرای ۱۰ دوره مسابقه فناوری‌های حوزه فضایی و حمل‌ونقل پیشرفته، با برگزاری آموزش‌های برخط و مجازی، این دانش تا دورافتاده‌ترین مدرسه‌های کشور نیز گسترش یافته است. در سال‌های اول فعالیت، مخاطبان قطب عمدتاً دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه بودند، اما اکنون تعداد زیادی از مخاطبان قطب، دانش‌آموزان دوره ابتدایی هستند. دانش‌آموزانی که از دوره ابتدایی با آموزش‌های این قطب همراه بوده‌اند، امروز پژوهشگران جوانی هستند که سال‌هاست در آزمایشگاه‌های تخصصی فعالیت دارند، نتایج پژوهش‌های خود را منتشر کرده‌اند و برخی از آنان توانسته‌اند از دستاوردهای علمی خود در حوزه هوافضا و علوم دریایی کارآفرینی کنند.

البته در دو سال اخیر تغییراتی توسط قطب کشوری هوافضا و دریا (پژوهش‌سرای جوان قشم) در تنوع بخشی به مسابقه‌ها، به‌ویژه تشکیل «انجمن علمی و پژوهشی هوافضا و دریا» صورت پذیرفت که موجب گسترش هر چه بیشتر این مسابقه‌ها در مدرسه‌های سراسر کشور شد.

هرچند در این باره بسیاری می‌توان سخن گفت ولی صحبت‌های بچه‌ها خواندنی است. در ادامه، صحبت‌های سه نفر از دانش‌آموزان موفق این حوزه را می‌خوانید:



آنا اکبری هستم، دانش‌آموز دبیرستان نمونه دولتی محدثه قشم در استان هرمزگان. پنج سال پیش از طریق مدیر دلسوز و زحمتکش پژوهش‌سرای جوان قشم، با پژوهش‌سرا آشنا شدم و به سبب علاقه‌ام به هوافضا و علوم دریایی، تحقیقات خود را آغاز کردم. یکی از پروژه‌های من طراحی یک پهپاد دریایی است که می‌تواند به صورت خودکار وضعیت محیط‌های آبی را پایش کند و اطلاعات زیست‌محیطی مهمی را گردآورد.



آرتین مریدی هستم، از استان فارس. فعالیت علمی خود را از پایه هشتم و در پژوهش‌سرای جابربن حیان شهرستان فسا آغاز کردم. پس از گذراندن آموزش‌های تخصصی و انجام پروژه‌های متعدد، توانستیم اجرای پروژه ساخت شناور **هیپرو** را که می‌تواند شناوری چندمنظوره باشد و کاربردهای متنوعی دارد، برعهده بگیریم.



یکی از کاربردهای این شناور در حوزه امداد و نجات و آتش‌نشانی است که به دلیل نوع طراحی و سرعتی که دارد می‌تواند در این زمینه موفق عمل کند. بدنه سه‌تکه این شناور از جنس پی‌وی‌سی و ضد آب است و از بابت سبک بودن هم گزینه خوبی برای ساخت به حساب می‌آید. این شناور به لحاظ مقاومتی نیز بسیار خوب عمل می‌کند، چرا که نحوه طراحی و ساخت آن به گونه‌ای است که مقاومت نهایی بدنه را چند برابر کرده است.





زینب فیلیو هستم، دانش‌آموز دبیرستان جوادالائمه (ع) و از پژوهش‌سرای **خواجه نصیر طوسی** استان قم. از سن ۱۴ سالگی و از طریق بازدیدی که مدرسه از پژوهش‌سراها ترتیب داد، با فضای پژوهش‌سرا آشنا شدم. بعد از گذراندن دوره هوافضا در پژوهش‌سرا و یادگیری این رشته، در مسابقه‌های هوافضا، گرایش ساخت «پهپاد» (پرنده هدایت‌پذیر از راه دور) و طراحی و ساخت هواپیمای جنگنده **اف ۲۲** مدل الکترونیکی رادیوکنترل شرکت کردم. کوشیدم پروژه‌ای مطابق با اصول مسابقه‌ها بسازم و در فضای رقابتی قرار بگیرم.



مسیر انجام پروژه مسیری پر پیچ و خم بود و سختی خاص خودش را داشت، ولی لذت به نتیجه‌رساندن و فکر به پایان کار، و همین‌طور همراهی استادان باعث انگیزه مضاعف من برای ادامه مسیر می‌شد. در واقع بخش زیادی از کار پژوهشی مربوط به تجربه است و اگر شکستی نبود، درس گرفتن از تجربه‌ها هم میسر نمی‌شد. ولی خوش‌حالم که با وجود تمام چالش‌ها و مشکلات دست از این مسیر نکشیدم. دیدن ویدئوهای معرفی پهپادها و شنیده‌های من از این رشته، باعث شد به آن علاقه پیدا کنم و جذب این گرایش شوم. بعد از شروع هم به طور جدی پروژه پژوهشی خود را دنبال کردم.

در مسیر ارسال مدارک برای مسابقه‌ها بودم که از طرف قطب کشوری فناوری‌های حوزه فضایی و حمل‌ونقل پیشرفته با من ارتباط گرفتند و به‌منظور کمک به من برای ارائه هر چه بهتر اثر، راهنمایی‌ها و آموزش‌های لازم را در اختیارم گذاشتند. به‌علاوه از بنده برای حضور در نمایشگاه و اختتامیه کشوری دعوت به عمل آوردند. در نهایت توانستم با ارائه اثر خود، در نمایشگاه کشوری به صورت حضوری شرکت کنم و با دیگر دانش‌آموزان فعال و علاقه‌مند در حوزه هوافضا آشنا شوم و با آن‌ها نشست علمی و تبادل اطلاعات داشته باشیم. درحاشیه نمایشگاه نیز در کارگاه آموزشی که توسط استادان قطب کشوری برگزار شد، شرکت کردم.

همراهی، تشویق، پاسخ به سؤالات، و از همه مهم‌تر، ارزشی که برای تلاش‌های ما در این مسیر قائل بودند، در کنار همه کمک‌هایشان قوت قلب و انگیزه‌ام برای پیش‌رفتن در مسیر برنامه‌هایم شد. برنامه‌ام این است که در زمینه هوافضا تا می‌توانم بیاموزم و این مسیر را ادامه بدهم؛ چرا که فعالیت در این رشته برایم واقعاً لذت‌بخش است. امیدوارم افراد علاقه‌مند به گرایش هوافضا، مخصوصاً خانم‌ها فعالیت خود را در این عرصه آغاز کنند.



بسیج دانش آموزی

خانواده

ریشه ما پناه ما

الهه ندری
پایه یازدهم

حمایت عاطفی؛ مهم ترین ستون خانواده

همه ما در طول نوجوانی با فشارهای زیادی روبه رو هستیم: انتخاب رشته، نگرانی درباره آینده، شکست های عاطفی، اضطراب امتحانات، و هزار و یک فکر ناتمام. اگر خانواده نقش حامی عاطفی را ایفا کند، این فشارها به فرصتی برای رشد تبدیل می شوند. پدر و مادرهایی که فرزندانشان را فقط نصیحت نمی کنند، بلکه حرفشان را می شنوند، احساساتشان را جدی می گیرند و اجازه می دهند اشتباه کنند و یاد بگیرند، نوجوانانی پر قدرت تر و مسئول تر تربیت می کنند.

خانواده جای دوست داشتن است، نه فقط انجام وظیفه. بعضی وقت ها در خانواده ها تنها چیزی که می بینیم تأکید بر «وظیفه» است: «باید درست بخوانی، باید این طور رفتار کنی، باید فلان کار را کنی، باید...»

اما در دل همه این باید ها یک نیاز بزرگ گم می شود: «دوست داشته شدن بی قید و شرط». نوجوان امروز بیش از هر چیز تشویق می خواهد؛ اینکه بدانند کسی هست که حتی وقتی شکست می خورد، هنوز او را می خواهد و قبول دارد.

گاهی آن قدر درگیر روزمرگی ها، مدرسه، دغدغه های فردی و شبکه های اجتماعی می شویم که فراموش می کنیم مهم ترین بخش زندگی مان از همان خانه ای شروع می شود که هر روز از آن بیرون می رویم؛ خانه ای که با خانواده خود در آن زندگی می کنیم. خانواده یعنی اولین مدرسه ای که در آن مهربانی را یاد می گیریم، اولین پناهگاهی که وقتی خسته ایم به آن پناه می بریم، و اولین کسانی که حتی وقتی خودمان را فراموش کنیم، فراموشمان نمی کنند.

خانواده، نخستین معلم زندگی

از وقتی کودکیم، خانواده اولین جایی است که ما را شکل می دهد. اولین بار در آغوش مادر معنی امنیت را می فهمیم، اولین بار با پدر یاد می گیریم چطور روی پا بایستیم، و با خواهر و برادر، دوست داشتن، دعا کردن و دوباره آشتی کردن را تجربه می کنیم. اگر خوب نگاه کنیم، می بینیم که تمام روابط بزرگ سالی مان ریشه در همین سال های اولیه دارد. اگر در خانواده ای مهربان و امن رشد کنیم، احتمال اینکه انسان آرام تر و موفق تری شویم بسیار بیشتر است.

در عصر فناوری، نقش خانواده پررنگ تر شده است. در دنیایی که تلفن های هوشمند، بازی های برخط و رسانه ها هر لحظه ما را درگیر خود می کنند، حضور و نظارت خانواده از همیشه مهم تر شده است. نوجوانان نیاز دارند کسی باشد که نه فقط آن ها را کنترل کند، بلکه درکشان کند. وقتی نوجوان حس کند خانواده اش به او گوش می دهد، اعتمادش را جلب می کند، و ارزش نظرش را می داند، کمتر دچار آسیب های روانی، اعتیاد یا انزوا می شود.

مسئولیت ما نسبت به خانواده چیست؟

شاید تصور کنیم خانواده فقط پدر و مادرند که باید مراقب ما باشند. اما واقعیت این است که ما هم عضوی از این پیکر هستیم. ما می توانیم با احترام گذاشتن، شنیدن حرف های والدین، کمک کردن در خانه، رعایت مرزها، صبور بودن در برابر اختلاف نظرها و حتی فقط وقت گذراندن با آن ها، به گرمای خانه اضافه کنیم.

ودر پایان

خانواده همان ریشه ای است که اگر خوب مراقبش باشیم، می توانیم با خیال راحت قد بکشیم، تجربه کنیم، و زمین بخوریم، ولی دوباره برخیزیم. بیایید این ریشه را فراموش نکنیم. هر قدر هم بزرگ شویم، مهم نیست کجای دنیا باشیم یا چند ساله باشیم، همیشه به خانه ای نیاز داریم که در آن «دوست داشته شویم، نه اینکه درباره ما قضاوت کنند...»

احترام «جی ۵» به والدین

پسند (لایک) نامرئی
برای برنامه‌های «به‌روز نشده!»

سیده میترا امیری

احترام به پدر و مادر توی دنیای امروز شاید کمی شبیه وصل کردن گوشی قدیمی به بلوتوث جدید باشد! می‌دانی چرا؟ چون آن‌ها با نسخه دیگری از زندگی بزرگ شده‌اند. البته این اصلاً به معنی «انقضا» نیست!

بیا راه حلی امروزی و باحال برایت بگویم: فکر کن پدر و مادرت اولین برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن‌های) زندگی‌ات هستند. شاید رابط کاربری‌شان (یوآی) قدیمی به نظر بیاید، اما دیتایشان بی‌نظیر است و همیشه عشقتان به‌روز (آپدیت) می‌شود!

علاصورتاً تصور کن مامان دوباره دارد از خاطرات بچگی‌اش می‌گوید (برای بار صدم!). به جای مرور کردن استوری «اینستا»، یک لحظه گوشی را زمین بگذار، چشم‌هایت را توی چشم‌هایش بدوز و بگو: «وای! واقعاً؟ بعدش چی شد؟» می‌دانی این حرکت تو چقدر تقویت (شارژ) روحی برایش دارد؟! مثل این است که یک‌باره اینترنت قلبش را از جی ۳ به جی ۵ ارتقا بدهی!

یا مثلاً بابا را ببین که همیشه نگران قبض برق است. به جای نگاه معنی‌دار، یک باتری پرکن همراه خفن توی دستش بگذار و بگو: «باباجان، این رو برات گرفتم تا خودتو شارژ کنی!» هم خنده‌اش می‌گیرد، هم حس می‌کند دنیای امروز را فهمیده است.

یک ترفند طلایی دیگر: بعد از خوردن بهترین فورمه سبزی دنیا، یکهو به مامان بگو: «اوه! اگه اینو بذارم تو استوری، فورمه سبزی تون باب‌روز (ترند) می‌شه!» می‌بینی چطور چشم‌هایش برق می‌زند؟!

واقعیت این است که گاهی حرف‌هایشان مثل اعلان‌های (نوتیفیکیشن‌های) تکراری است. مثلاً وقتی مدل موهای خفنت را می‌بینند و می‌پرسند: «فکر کردی پرنده بهشتی هستی؟!»، اینجا نفس عمیقی بکش، لبخند بزن (حتی اگر دلت بخواد فریاد بزنی!) و بگو: «قبوله! فردا مدلش رو عوض می‌کنم.» یادت باشد: «سکوت تو برابر است با ذخیره باتری اعصاب خانوادگی!»

و آن لحظه‌های طلایی که حس می‌کنی پدر و مادرت دست‌آزاد (هندزفری) ذهنشان را زده‌اند، و مثلاً مامان گفته است: «دیگه حرف نمی‌زنم!» یا بابا مثل تانک خاموش روی مبل نشسته است، اینجا وقت عملیات «بستنی نجات» است! دو تا بستنی آیس پک بخر، بگذار جلوی‌شان و به شوخی بگو: «اینم بستنی ویژه سرآشپز...» می‌بینی چطور یخ‌ها آب می‌شوند؟!

پدر و مادرت را مثل قدیمی‌ترین حساب‌های کاربری‌ات (اکانت‌هایت) توی زندگی ببین: شاید رخ‌نمایشان (پروفایلشان) مکان‌های (لوکیشن) قدیم را نشان بدهد، اما دنبال‌کننده‌های (فالوورهای) وفادار و پسندهای بی‌ریای تو همان‌ها بودند.

یک «دوستت دارم» ساده، یک شوخی به‌موقع، یا حتی یک رویداد (استوری) گذاشتن از غذایشان (حتی اگر به‌معرض‌نمایش نگذاری (پست نکنی)) معجزه می‌کند. راستی یادت نرود: یک‌روز تو هم می‌رسی به سطح (لول) «والدین» توی بازی زندگی... آن موقع تازه می‌فهمی که تمام این احترام‌ها، در واقع بهترین رخنه (هک) برای ساختن یک ذخیره بازی (سیوگیم) قوی برای آینده‌ات بوده است!

مراقب خودت باش رفیق! دوستدار تو...